

تأثیر جهانی‌شدن بر روی مظاهر و جنبه‌های نظری و مفهومی امنیت ملی حکومت‌ها در قرن ۲۱

آ، محمد اف^۱، مرتضی اشرفی^۲ و محمد حافظی صفت^۳

تاریخ دریافت: ۲۵ / ۰۷ / ۱۴۰۰

تاریخ پذیرش: ۲۰ / ۰۸ / ۱۴۰۰

چکیده

«امنیت جهانی» مبنی بر نظامی تازه قرار دارد؛ بر این اساس اصول و مبادی خاص مورد توجه قرار می‌گیرد که نتیجه آن تأمین امنیت برای همه ملت‌ها است؛ امنیت جهانی رویکردی جهان شمول پر مسأله دارد. بنابراین در روابط بین‌الملل از ابتدای شکل‌گیری دولت-شهرها تا بروز دولت-ملت‌ها و دولت‌های رفاه و حتی در عصر جهانی‌شدن، دغدغه اساسی بازیگران بین‌المللی کسب و حفظ قدرت و برقراری و پایداری امنیت بوده است؛ بازیگران ملی درک نمودند امنیت آن‌ها در عرصه جهانی، در پیوند با امنیت سایر بازیگران بوده و در پرتو تلاش جمعی است که می‌توانند به امنیتی عام برای همه کشورها دست یابند؛ وجه تمایز «امنیت» و «جهانی» در همین نکته نهفته است؛ لذا می‌توان گفت در دورانی که گفتمان غالب روابط بین‌الملل واقع‌گرایی و نتوواقع‌گرایی بود، گفتمان «مورگنتا» صادق است که ارزیابی قدرت از توانایی نظامی آغاز می‌شود و سپس به توانایی‌هایی که مستقیماً بر توانایی نظامی تأثیر داشته می‌رسد و در امتداد آن بر توانایی-هایی که به صورت غیر مستقیم منجر به توانایی نظامی است، ختم می‌شود. ما در این تحقیق به دنبال بررسی و تحلیل تأثیر جهانی‌شدن بر روی مظاهر و جنبه‌های نظری و مفهومی امنیت ملی حکومت‌ها در قرن بیست و یکم هستیم و از روش توصیفی تحلیلی بهره برده‌ایم.

کلید واژه‌ها: تلورانس (تساهل و تسامح)، غرب، قرون وسطی، رنسانس، رفورم.

استناد فارسی (شیوه‌ی APA ویرایش ششم، ۲۰۱۰؛ شیوه‌ی APSA)

محمد اف، آ، اشرفی، مرتضی؛ حافظی صفت، محمد (۱۴۰۰). «تأثیر جهانی‌شدن بر روی مظاهر و جنبه‌های نظری و مفهومی امنیت ملی حکومت‌ها در قرن ۲۱». پژوهشنامه تاریخ، سیاست و رسانه، سال چهارم، شماره چهارم، پیاپی ۱۶، صص ۶۸-۵۷.

^۱ استاد گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم سیاسی، آکادمی ملی علوم ج. تاجیکستان؛ دوشنبه، تاجیکستان. ایمیل: tifk@mail.ru

^۲ استادیار گروه علوم سیاسی، اندیشکده مطالعات راهبردی کریمه؛ شیراز، ایران. ایمیل: mortezaashrafi110@gmail.com

^۳ استاد مدعو دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت پاسداری امام حسین (ع)؛ تهران، ایران. ایمیل: mhs019rey@gmail.com

کپی‌رایت © ۲۰۱۰، ایسک (اندیشکده مطالعات راهبردی کریمه شیراز). این متن، مقاله‌ای برای دسترسی آزاد است که با توجه به استاندارد بین‌المللی (Creative Commons Attribution) CCA نسخه 4.0 توزیع شده است و به دیگران اجازه می‌دهد این اثر را با رگیری کنند، آن را با دیگران به اشتراک بگذارند و مطالب را اقتباس کنند.

۱. مقدمه

انسان‌ها از ابتدای خلقت با معمای امنیت رو به رو بوده‌اند زیرا عوامل محیطی، مهم‌ترین خطر نسبت به حیاتی‌ترین ارزش بشر، یعنی زندگی به شمار می‌آید، خطرهایی که بسیاری از آن‌ها از سوی نیروهای طبیعی بود. به این سبب، امنیت معمای آشنای زندگی بشر شمرده می‌شود؛ ولی امنیت مانند سایر ارزش‌ها و مفاهیم اجتماعی بستگی به شرایط و واقعیت‌های موجود دارد و به این سبب و نیز به دلیل کارکرد نیروهای ثروت و اثرگذاری آن‌ها بر محیط اجتماعی، مفهومی پویا به شمار می‌رود (فرهادی، ۱۳۸۳: ۷۳-۲۳).

در دوران نخستین زندگی بشری، امنیت مفهومی ساده بود که گستره و بازیگران محدودی را در خود جای داده بود و خطرهای مشخص و معینی نیز نمایان می‌شدند، ولی زندگی اجتماعی بشر همیشه یکسان نبوده است؛ زمانی گروه‌های محدود اجتماعی به‌عنوان بازیگر زندگی اجتماعی شمرده می‌شدند، ولی نیروهای ژرف، گستره این زندگی اجتماعی را به شکل پایدار افزایش داده و به این سبب زمانی طوایف و گروه‌ها شکل یافتند و امنیت فرد با امنیت گروه‌های قوی و طایفه‌ای خود گره خورد؛ زمانی دیگر، واحدهای بزرگ‌تر با عنوان دولت - شهرها شکل گرفتند و امنیت فرد با دولت شهرها تعریف می‌شد و در دوره‌ای دیگر کشورها پا به عرصه وجود نهاد و امنیت کشور مطرح شد و در خط تکامل تاریخ، دولت‌های ملی، خود را به شکل بازیگر اصلی زندگی اجتماعی در آوردند و پدیده امنیت ملی، هم چون مفهومی نو خود را نشان داد و سرانجام نیروهای بازیگر دیگری در حال اجرای نقش هستند که نوید بخش دوره‌ای تازه در تاریخ بشری است (قائمی، ۱۳۸۶: ۱۲ و ۱۳).

امنیت دغدغه‌ی همه بخش‌ها و تخصص‌های مرتبط با انسان بوده، هست و خواهد بود؛ آغاز بررسی مفهوم امنیت در یک نگرش انتزاعی، قرار دادن مفهوم آن در یک حصار تعاریف و تحلیل‌ها می‌باشد؛ امنیت همان دغدغه تاریخ‌مندتر از جامعه‌ای بوده است که بشر در آرزوی نیل به قدرت توأمان با امنیت بدان سامان داد. وجود «وضع طبیعی» توماس هابز در عصر ماقبل اجتماع، تداعی‌گر ظرفیت‌های آدمی در بروز واکنش‌های ساختارزا در امتداد دغدغه‌های امنیتی بوده است (وحیدی، ۱۳۸۸: ۱۵).

به‌عبارت دیگر، مطالعه پیرامون امنیت در کانون مباحث روابط بین‌الملل قرار دارد؛ امنیت در روابط بین‌الملل به‌عنوان کالایی بس ارزشمند مطرح بوده و به یک معنا می‌توان آن را محور تمامی مباحث حوزه بین‌الملل قلمداد کرد؛ به‌گونه‌ای که برخی از اندیشه‌گران، روابط بین‌الملل را چنین تعریف نموده‌اند که تلاش واحدهای سیاسی برای افزایش توانمندی‌ها و امکاناتشان جهت رسیدن به سطح و وضعیتی که خود را ایمن از لطمه‌های ناشی از عملکرد سایر بازیگران در عرصه‌ی بین‌الملل ببینند (کلودزیج، ۱۳۹۰: ۳۹-۳۵). در این تلقی، امنیت دلالت بر وضعیتی دارد که در آن یک واحد سیاسی از هجوم دیگران، مصون می‌باشد؛ چنان‌که از این تعریف برمی‌آید، امنیت با نظامی-

گری ارتباط نزدیک داشته و همین موضوع است که بنیاد و پایه مطالعات امنیتی سنتی را شکل می‌دهد، البته پژوهش‌های بعدی نشان داد که امنیت مقوله‌ای پیچیده‌تر از آن است که بتوان آن را به نظامی‌گری صرف تقلیل داد (شیهان، ۱۳۸۸: ۲۸-۱۱).

۲. امنیت در دوران بعد از جنگ سرد

تقریباً در این نکته اجماع وجود دارد که پایان جنگ سرد تأثیری عمیق و اساسی در کل الگوی امنیت بین‌الملل بر جای گذاشت، اما با گذشت بیش از دو دهه از دوران گذار، بحث‌های جدی در باب ماهیت نظم امنیتی پس از جنگ سرد هم‌چنان ادامه دارد. به‌طور کلی این مباحث را در چارچوب سه رویکرد «نو واقع‌گرایی»، «جهان‌گرایی» و «منطقه‌گرایی» مورد توجه قرار دارد. تعبیر «نو واقع‌گرایی» از ساختار امنیت بین‌المللی دوران پس از جنگ سرد، فرض می‌کند که در سطح جهانی یک تغییر ساختار قدرت (پایان نظام دو قطبی) روی داده است؛ لذا دغدغه این رویکرد، شناخت ماهیت این تفسیر، برای پی بردن به پیامدهای امنیتی آن است. نو واقع‌گرایی اولویت سطح جهانی را بدیهی تلقی کرده، بنابراین جستجو برای یافتن تفسیر را به یک بازه مشخص در همان سطح محدود می‌کند (کوزه‌گر کالجی، ۱۳۹۳: ۳۰).

اما رویکرد جهان‌گرایی که معمولاً جهانی نامیده می‌شود، عموماً «آنتی‌تز» مفهوم رئالیستی از ساختار نظام بین‌الملل بر اساس دولت و قدرت سیاسی تصویر می‌شود. جهانی‌شدن اغلب ریشه در رهیافت‌های فرهنگی، فراملی و اقتصاد سیاسی بین‌المللی دارد. شاید آشکارترین درون‌مایه‌ی هدایت‌کننده جهانی‌شدن، روند غیر سرزمین‌شدن سیاست جهانی باشد. اما به موازات دو رویکرد نو واقع‌گرایی و جهان‌گرایی، رویکرد سومی نیز تحت عنوان منطقه‌گرایی در فضای پس از جنگ سرد امکان و مجال پویا یافت؛ در حالی که این رویکرد، دو موج نگرش ژئوپلیتیکی به منطقه را در ابتدای قرن بیستم و الگوی نظری سیستم تابعه و هم‌گرایی منطقه‌ای را در قرن بیستم تجربه نمود، پایان جنگ سرد و کنار رفتن رقابت‌های کلان و ایدئولوژیک دوران جنگ سرد موجب ظهور و پویا شدن چهار موج جدید شد. عواملی چون تحولات نظام بین‌الملل، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، ظهور مناطق و منطقه‌گرایی نوین، جهانی‌شدن و تحولات اتحادیه اروپا موجب شد تا نظریه‌های منطقه‌گرایی در ابعاد مختلف دستخوش تغییر شوند (کوزه‌گر کالجی، ۱۳۹۳: ۳۲-۳۰).

تحت تأثیر چنین تحولاتی، نظریه‌پردازان از محوریت سیستم تابعه، به سمت کانون مشخص‌تری تحت عنوان مجموعه امنیتی سیر نمود. در این دیدگاه، «باری بوزان» مناطق را در چارچوب امنیت تعریف نمود. مناطق، سیستم‌های تابعه‌ی منسجمی هستند که از بُعد امنیت و الگوهای آن با یکدیگر پیوند یافته‌اند؛ این نظریه با بهره‌گیری از بنیان‌های نظری «مکتب کپنهاک»، توانست در دو حوزه‌ی «تعریف» و «سطح تحلیل» مفهوم امنیت، گام‌های مهمی بردارد و با ارائه تعریف کامل و

چند بُعدی از مفهوم امنیت، تفکیک مطالعات امنیتی از مطالعات استراتژیک دوران جنگ سرد و نیز توجه به سطح تحلیل منطقه‌ای نقش قابل توجهی در بازاندیشی مفهومی و نظری مطالعات امنیتی در طی دهه‌های اخیر ایفا نماید (کوزه‌گر کالجی، ۱۳۹۳: ۳۲؛ عبدالله‌خانی، ۱۳۸۳: ۱۳۲).

در مجموع، واقعیت‌های موجود در عرصه‌ی روابط بین‌الملل بیانگر آن است که درک و شناخت کشمکش‌ها و امنیت منطقه‌ای در دوره پس از جنگ سرد، مستلزم ابزارهای مفهومی و روش‌شناختی ویژه، و رای مفاهیم و روش‌های سنتی عصر نظام دو قطبی است (کوزه‌گر کالجی، ۱۳۹۳: ۳۴؛ عسگری، ۱۳۸۲: ۵۷). به همین دلیل، در قیاس با نظریه‌پردازی در حوزه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، کوشش‌های نظری در حوزه مطالعات منطقه‌ای از عمر کوتاهی برخوردار است و به سبب تازه بودن، هاله‌ای از ابهام آن را فرا گرفته است. از این رو، به دلیل فقدان طرحی مفهومی و نظری مطالعه و پژوهش پیرامون مسائل منطقه‌ای به‌ویژه امنیت منطقه‌ای بسیار دشوار بوده (اسلامی، ۱۳۷۵: ۳۵). تنها از رهگذر مطالعه و بررسی در میان ستون روابط بین‌الملل و پارادایم‌های حاکم بر این حوزه می‌توان به بینش نظری در خصوص مناطق دست یافت.

۳. تعریف امنیت

تعریف فرهنگ لغات از امنیت، عبارت است از: در معرض خطر نبودن یا از خطر محافظت شدن. امنیت هم‌چنین عبارت است از: رهایی از تردید، آزادی از اضطراب و بیمناکی و داشتن اعتماد و اطمینان موجه و مستند. امنیت، خواه فردی، ملی یا بین‌المللی، در زمره مسائلی است که انسان با آن مواجه می‌باشد. امنیت به‌صورت وسیع، در مفهومی به‌کار گرفته شده که به صلح، آزادی، اعتماد، سلامتی و دیگر شرایطی اشاره می‌کند که فرد و یا گروهی از مردم، احساس آزادی از نگرانی، ترس، خطر یا تهدیدات ناشی از داخل یا خارج را داشته باشند. مفهوم امنیت فی‌نفسه در کاربرد عامی که در روابط بین‌الملل و دیگر رشته‌ها دارد و به‌نظر می‌رسد که به‌عنوان یک مفهوم سازمان یافته محوری از سوی سیاستمداران و محققان مورد پذیرش قرار گرفته باشد، با ادبیات شدیداً نامنسجمی روبروست (میرعرب و سجادی، ۱۳۷۹: ۱۴۲-۱۳۳).

بوزان استدلال می‌کند که بخش وسیع و موفق مطالعات موجود در بخش تجربی به مسایل و موضوعات امنیت ملی معاصر مربوط می‌گردد. بیش‌تر این آثار از گرایش مطالعات استراتژیک استخراج شده است. به‌همین دلیل، امنیت بر محوریت هنجاری تمرکز یافت.

فصل مشترک سیاست‌های خارجی، اقتصادی و نظامی کشورها، در حوزه‌های متغیر یا مورد منازعه و ساختار عام روابطی که آن‌ها به وجود می‌آورند، برای تحصیل امنیت ملی یا بین‌المللی، همه در اصطلاح آرمان‌ها تجزیه و تحلیل شده‌اند. به هر حال تا ظهور نگرانی‌های اقتصادی و محیطی در خلال دهه ۱۹۷۰، مفهوم امنیت به ندرت به غیر از پالیسی (سیاست) منافع بازیگران

تأثیر جهانی شدن بر روی مظاهر و جنبه‌های نظری و مفهومی امنیت ملی حکومت‌ها در قرن ۲۱ ۶۱۵

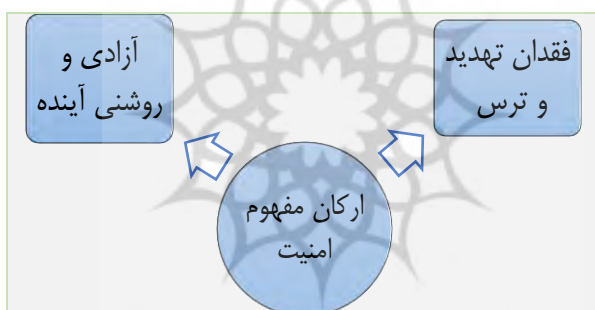
خاصی اشاره می‌کرد و تا اواخر دهه ۱۹۸۰ در مباحث امنیت محوریت بعد نظامی هنوز مورد تأکید بود (اشرافی، ۱۳۹۳: ۱۰۹-۸۳)

سرچشمه رویکردهای مسلط به امنیت در منطقه آسیا، آفریقا و برخی دیگر از مناطق جهان، به دغدغه‌های امنیتی و منافع کشورهای غربی به ویژه ایالات متحده آمریکا باز می‌گردد. پیامد این گرایش غربی در اندیشه امنیتی درون بستر آسیایی، این بوده است که بخش اعظم اندیشه‌های صورت گرفته در امنیت منطقه‌ای مبتنی بر برداشت‌ها و فهم غربی از امنیت بوده است. به طور کلی در مفهوم امنیت دو رکن اساسی قرار دارد:

۱- فقدان تهدید و ترس یا اطمینان به خود و ادامه حرکت؛

۲- آزادی و روشنی آینده حرکت و فعل انسان و جامعه (سلمان خاکسار، ۱۳۹۰: ۶۱-۴۵)

به همین جهت، گاه امنیت را به معنای آزادی نسبی یا آزادی مطلق برای حفظ موجودیت خود و ارتقاء آن دانسته‌اند (پهزادی، ۱۳۵۲: ۱۰۰ و ۱۰۱).



تصویر شماره ۱ - ارکان مفهوم امنیت

۴. مرجع امنیت

بسیاری از نظریه‌پردازان مباحث امنیتی بیان می‌دارند که امنیت باید مرجع‌هایی غیر از دولت، از قبیل افراد، گروه‌های اجتماعی یا جامعه‌ی جهانی داشته باشد. «کن بوث» این‌گونه بیان می‌دارد که «به پیروی از کانت، می‌باید با مردم به عنوان هدف برخورد کنیم نه ابزار»؛ با این حال با دولت‌ها باید به عنوان ابزار برخورد شود نه اهداف (Book, 1991: 313-326).

اما «مارتین شاو» خواستار یک رویکرد مناسب جامعه‌شناختی به بررسی امنیت شد و نوشت:

«امنیت انسانی، فردی و جمعی؛ به دولت یا بستر قومی - ملی بستگی ندارد؛ موضوعات امنیتی هرگز روبه‌روی همه سطوح زندگی اجتماعی نیستند» (Shaw, 1993: 159- 175).

هم چنین «باری بوزان» خواستار نگاه از بالا به پایین به سطح سازمان یافته و نگاه از پایین به بالا به سطح فردی به‌منظور فراتر رفتن از برداشت‌های دولت محور از امنیت بود. موضع بوزان کنجکاوانه بود. او هر چند منتقد دولت‌سالاری در بررسی‌های امنیت بود، بی‌گمان از تحلیل‌های دولت محور حمایت می‌کرد که به موجب آن، به تقویت دولت محوری می‌انجامید. او در کتاب «مردم، دولت‌ها و هراس»، چارچوب گسترده‌تری را برای بررسی امنیت بیان کرد که ابعاد اقتصادی، اجتماعی، محیط زیست، سیاسی و نیز نظامی را در برمی‌گرفت.

بوزان ضمن توجّه به امنیت، خاطر نشان ساخت که امنیت مرجع‌های بالقوه زیادی دارد. این مرجع‌های متعدد امنیت نه تنها به‌عنوان عضویت جامعه دولت‌ها در حال افزایش هستند، بلکه از سطح دولت به سمت سطح فردی و فراتر از آن، به سمت نظام بین‌الملل، به‌طور کلی در حال حرکت هستند. او استدلال خود را به دو شکل بیان نمود؛ اول استدلال کرد که ساختار آنارشیک نظام بین‌الملل موجب شده تا واحدها یا همان دولت‌ها به سرعت تمرکز طبیعی دغدغه‌های امنیتی کشانده شوند. از آن‌جا که دولت‌ها واحدهای مسلط بودند. این نظریه‌پرداز استدلال کرد امنیت ملی موضوع اصلی بود. دومین حرکت بوزان بر کارگزاری دولت متمرکز بود و نتیجه گرفت که عامل امنیت باید بر مرجع‌های بالقوه اولویت داشته باشد. چون سیاست‌گذاری عمدتاً فعالیت دولت‌ها می‌باشد، لذا احساس سیاسی مهمی وجود دارد که امنیت ملی، دیگر ملاحظات امنیتی در سطوح فردی و نظام‌مند را شامل می‌شود.



تصویر شماره ۲ - سطوح امنیت

در مقابل آن «تیکز» به ما یادآوری می‌کند که صحنه‌ی بین‌الملل فقط حوزه‌ای نیست که نبود ساز و کارهای نظم ویژه‌گر باشد، بلکه چه بسا با تقسیم‌بندی دیگری از آنارش - نظم نیز نمی‌تواند

تفسیر شود؛ یعنی مرزبندی میان فضای داخلی عمومی که دست کم از لحاظ نظری، حاکمیت قانون از آن حمایت می‌کند و فضای خصوصی خانواده که همواره به خوبی حمایت نمی‌شود، به ویژه در خصوص وضعیت خشونت داخلی، لذا در مجموع حرکت نخست «بوزان» موضع برتری امنیت دولت-ها را که هم در نظریه و هم در عمل محل بحث است، توجه می‌کند.

اما دومین حرکت او که بر کارگزاری مسلط دولت تأکید می‌کند تا تحلیل‌های دولت محوری از امنیت را تقویت کند، کم‌تر از حرکت قبلی محل مناقشه بوده است. این امر بدین سبب است که دولت‌ها مجوز توسل مشروع با خشونت را داشته‌اند و از این رو، بهتر از هر کارگزار و عامل دیگری امنیت را توصیف می‌کنند.

از طرف دیگر، دستور کار امنیتی گسترده‌تر از قبیل دستور کاری که «بوزان» از آن حمایت می‌کند، نیازمند تحلیل‌گری است که به کارگزاری‌هایی مانند شرکت‌های فراملی، جنبش‌های توده‌ای و افراد توجه کنند نه دولت و محدود کردن تحلیل به کارگزاری دولت (بیلگین، ۱۳۹۳: ۵۳-۱۷).

۵. ابعاد امنیت

موضوع امنیت از لحاظ سطوح به امنیت فردی، امنیت گروهی، امنیت ملی و امنیت بین‌المللی و ابعاد متنوعی هم‌چون سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، حقوقی و غیره تقسیم می‌گردد که به تشریح آن می‌پردازیم.



تصویر شماره ۳ - ابعاد امنیت

۵-۱- امنیت فردی

امنیت فردی عبارت است از حالتی که فرد (جسمی و روحی) در آن فارغ از ترس و آسیب به جان و یا مال و یا آبروی خود یا از دست دادن آن‌ها زندگی کند. علاوه بر جنبه‌های مادی فردی و

اجتماعی، امنیت فردی را باید در ایمان واقعی، آرامش روحی، اطمینان و طمأنینه نفس و یاد خداوند متعال جست و جو کرد (ولی‌پور زرومی، ۱۳۸۳: ۴۵-۳۰).

۵-۲- امنیت اجتماعی

امنیت اجتماعی شخص به معنی امنیت جان، مال، آبرو و موقعیت اجتماعی شخص از جانب عوامل اجتماعی می‌باشد. در اندیشه‌ی اسلامی، امنیت اجتماعی را باید در سایه‌ی تقوا، عدالت، رعایت حرمت، حقوق انسان‌ها و دفاع از مظلومان و محرومان و برخورد با مفسدان، مجرمان، بزهکاران و رفع فقر، تأمین رفاه و معیشت مردم و حفظ آزادی‌های مشروع و حاکمیت عادلانه، قانونی و معیارهای انسانی جست و جو کرد (اخوان کاظمی، ۱۳۸۵: ۶۷-۵۰).

۵-۳- امنیت ملی

امنیت ملی، مهم‌ترین اصل در ثبات سیاسی و استقلال یک کشور با یک واحد سیاسی می‌باشد؛ زیرا بقای هر کشور، تمامیت ارضی و ثبات و استمرار حکومت آن بستگی به امنیت ملی آن کشور دارد.

۵-۴- امنیت سیاسی

امنیت سیاسی به معنای تأمین آرامش و طمأنینه لازم توسط حاکمیت یک کشور برای شهروندان قلمرو خویش از راه مقابله با تهدیدات مختلف خارجی و هم‌چنین تضمین حقوق سیاسی آنان در مشارکت جهت تعیین سرنوشت اجتماعی و سیاسی آن‌ها می‌باشد (افتخاری، ۱۳۸۱: ۹۷-۸۱).

۵-۵- امنیت فرهنگی

بسیاری معتقدند بحث از امنیت فرهنگی در ذیل موضوع امنیت ملی قرار دارد و یکی از مؤلفه‌های اصلی آن را تشکیل می‌دهد. امنیت فرهنگی یکی از مهم‌ترین ابعاد امنیت ملی و به مفهوم آن است که از یک سو فرهنگ جامعه از مؤلفه‌های عقلایی، واقع بینانه، سازنده، عادلانه، پویا و منطبق با معیارهای مطلوب علمی شکل گرفته باشد و از سوی دیگر، فرهنگ و تولیدات فرهنگی جامعه نیز ضمن درآمان بودن از خطر تهدیدها، از روند رشد فزاینده‌ای برخوردار باشند.

۵-۶- امنیت اقتصادی

از نظر رابرت ماندل، امنیت اقتصادی عبارت است از میزان حفظ و ارتقای شیوه زندگی مردم یک جامعه از طریق تأمین کالاها و خدمات؛ هم از مجرای عملکرد داخلی و هم حضور در بازارهای بین‌المللی.

۶. مفهوم‌شناسی امنیت ملی

اصطلاح امنیت ملی به پیدایش دولت‌های ملی که با از میان رفتن حکومت‌های «ملوک الطوایفی»، رشد سرمایه‌داری، تشکیل حکومت‌های مردمی در اروپا و سقوط امپراطوری‌های بزرگ شکل گرفتند، باز می‌گردد. امنیت ملی از ترکیب دو واژه «امنیت» و «ملی» مفهوم جدیدی است که به‌طور عمده بر تهدیدهای نظامی علیه دولت‌ها استوار است. اهمیت امنیت ملی به‌حدی است که برخی آن را پیش‌شرط تأمین سایر اهداف ملی می‌دانند. عده‌ای نیز مطرح می‌سازند که ملاحظات امنیتی گاه به رژیم‌های سیاسی حاکم بر کشورها اجازه می‌دهد دست به اقداماتی بزنند که حداقل در جوامع دموکراتیک برای تأمین سایر اهداف قابل قبول نیست.

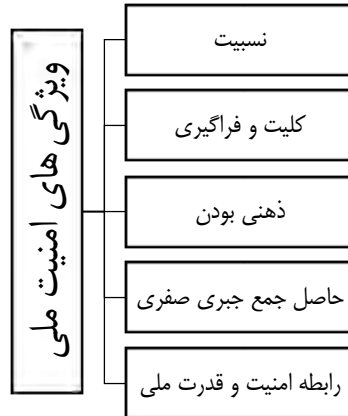
بعد از جنگ جهانی دوم، امنیت ملی چند بُعدی شد و جنبه‌های نظامی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی را دربرگرفت. با وقوع جنگ‌های جهانی اول و دوم، نقش روزافزون اقتصاد در هدایت ماشین جنگی دولت‌ها آشکار گردید و توانایی اقتصادی دولت‌ها در جنگ به‌عنوان بخشی از ابعاد امنیت ملی کشورها مورد توجه قرار گرفت. «باری بوزان» معتقد است امنیت ملی از لحاظ مفهومی، ضعیف و از نظر تعریف مبهم، ولی از نظر سیاسی قدرتمند باقی مانده است.

در تعریف امنیت ملی اختلاف نظر است. این اصطلاح در دایره‌المعارف علوم اجتماعی «توان یک ملت در حفظ ارزش‌های داخلی از تهدیدات خارجی» تعریف شده است و در تعریف دیگری آمده است:

«امنیت ملی، یعنی ابی به شرایطی که به یک کشور امکان می‌دهد از تهدیدهای بالقوه یا بالفعل خارجی و نفوذ سیاسی و اقتصادی بیگانه در امان باشد و در راه پیشبرد امر توسعه اقتصادی، اجتماعی و انسانی و تأمین وحدت و موجودیت کشور و رفاه عامه، فارغ از مداخله بیگانه گام بردارد» (جعفری دولت آبادی، تاریخ دسترسی ۱۳۸۹/۰۷/۰۸).

۶-۱- ویژگی‌های امنیت ملی

امنیت ملی دارای ویژگی‌ها و خصوصیات است که با درک آن‌ها بهتر می‌توان به مفهوم امنیت ملی پی برد. این ویژگی‌ها شامل مباحثی مانند نسبیت، کلیت و فراگیری، ذهنی بودن، حاصل جمع جبری صفری و هم‌چنین رابطه امنیت و قدرت ملی می‌باشد که به اختصار هر یک از این موارد توضیح داده می‌شود.



تصویر شماره ۴ - ویژگی‌های امنیت ملی

۱-۶-۱. نسبیت

امنیت امری نسبی است و نسبیت امنیت بدان معناست که برای هیچ کشوری امنیت ملی به صورت مطلق و کامل وجود ندارد زیرا هیچ کشوری در خلاء عمل نمی‌کند و عواملی چون زبان، جهان‌بینی و ایدئولوژی، اوضاع و احوال بین‌المللی و منطقه‌ای، شرایط داخلی، موقعیت کشور، دیدگاه و پیش رهبران و ... در کمیت و کیفیت امنیت و چگونگی تحصیل، حفظ و گسترش آن تأثیر بسزایی دارند. مصادیق و اجزای گوناگون امنیت ملی و ارجحیت یکی نسبت به دیگری نیز جنبه دیگری از نسبیت امنیت ملی است.

۱-۶-۲. کلیت و فراگیری

در قرون گذشته باوری وجود داشته که امنیت ملی تابعی از قدرت نظامی است و با افزایش قدرت نظامی افزایش می‌یابد و لذا صرفاً جنبه‌ی نظامی دارد. در حالی که باید دانست یکی از خصایص امنیت ملی «کلیت» است. کلیت به معنای این است که امنیت ملی از مصادیق متعدد بوجود می‌آید. حفظ استقلال کشور، حفظ جان مردم، تأمین رفاه مادی برای مردم، ثبات سیاسی کشور و ... همه از ابعاد و مصادیق امنیت ملی هستند. بعلاوه ابعاد گوناگون نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ... امنیت ملی نیز مطرح می‌باشد. هم‌چنین فقدان ترس و خطر در مقابل تهدیدات، امید به توسعه، پیشرفت و تعالی و فراهم بودن زمینه‌های آن نیز بیانگر فراگیری و کلیت امنیت ملی است.

۱-۶-۳. ذهنی بودن امنیت

احساس وجود یا فقدان امنیت و نیز کم و کیف آن بستگی به دید و نظر مردم و رهبران کشور دارد و بر این اساس، چنین احساسی یک امر ذهنی و روانی است که ممکن است در شرایط گوناگون و نسبت به جوامع و تهدیدات گوناگون، متغیر باشد. ذهنی و روانی بودن امنیت یک کشور

به اعتماد مردم آن به قدرت خودی و دشمن و توانایی بکارگیری توان خودی برای رسیدن به وضع مطلوب ارتباط دارد.

۶-۱-۴. قرار گرفتن امنیت ملی در چهارچوب معادله حاصل جمع جبری صفری

تحصیل امنیت ملی برای یک کشور گاه با ایجاد ناامنی در کشور یا کشورهای دیگر برابر است، لذا امنیت ملی یک کشور به زیان امنیت ملی کشور یا کشورهای دیگر تأمین می‌گردد. بر این مبنای معادله امنیت ملی یک معادله جبری با حاصل جمع صفر خواهد بود. نتیجه‌ای که از این معادله می‌توان گرفت این است که افزایش قدرت ملی یک کشور برای تأمین امنیت موجب ضعف قدرت ملی کشور دیگر و در نتیجه ناامنی آن می‌گردد.

۶-۱-۵. رابطه امنیت ملی با قدرت ملی

امنیت هر کشوری معادل و مساوی قدرت نظامی و امنیت نظامی آن کشور یا واحد سیاسی است و با افزایش قدرت نظامی، امنیت ملی نیز افزایش می‌یابد. از این دیدگاه کثرت نیروها و تجهیزات نظامی بیانگر بالا بردن میزان قدرت و در نتیجه امنیت ملی است و اعمال قدرت نظامی - نظیر توسل به جنگ - یکی از روش‌های اصلی برای حفظ و گسترش امنیت ملی کشورها محسوب می‌شود. البته امروزه این باور دگرگون شده، لذا اعتقاد اکثر محققان و نظریه‌پردازان سیاسی و نظامی این است که دیگر امنیت ملی، یک فرآیند یک بُعدی نیست که فقط از طریق افزایش قدرت نظامی تأمین گردد و بلکه فرآیند کلی و همه جانبه‌ای است که از طریق افزایش تمام ابعاد قدرت ملی و ایجاد توازن در آنها، تحصیل، تأمین و حفظ می‌گردد. بنابراین برای تأمین و حفظ امنیت ملی علاوه بر چند بُعدی بودن آن، باید ارتباط ابعاد آن را با ابعاد گوناگون قدرت ملی و توازن و تناسب میان این عوامل را در نظر گرفت (جمشیدی، ۱۳۹۴، برگرفته از سایت www.ensani.ir)

۶-۲. تهدیدهای امنیت ملی

تهدید نسبت به امنیت ملی عبارت از یک عمل یا یک سلسله حوادث است که در طی زمان کم یا بیش کوتاه، کیفیت زندگی ساکنان یک کشور را شدیداً تهدید می‌کند یا دامنه‌ی اختیار یک حکومت یا کشور یا واحدهای خصوصی متعلق به یک کشور را در انتخاب سیاست مقتضی به شدت به مخاطره می‌اندازد. با توجه به عوامل مؤثر در امنیت ملی یعنی سرزمین، جمعیت و نظام سیاسی برخی نویسندگان مؤلفه‌های امنیت ملی را به شرح ذیل احصا کرده‌اند:

۱- حفظ جان مردم

۲- حفظ تمامیت ارضی

۳- حفظ سیستم اقتصادی و سیاسی (اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی)

۴- حفظ استقلال و حاکمیت کشور

هم‌چنین تهدیدهای امنیت ملی را می‌توان به داخلی و خارجی تقسیم کرده و برای تهدیدهای داخلی بیست قلمرو و برای تهدیدهای خارجی دوازده مصداق ذکر نمود. به‌طور مثال از تحریکات استقلال‌طلبانه قومی و ادعاهای مرزی، آشوب‌ها و اقدام‌های براندازانه علیه حکومت، بحران هویت و شیوع برخی جرایم مانند قاچاق گسترده مواد مخدر، می‌توان به ترتیب به‌عنوان تهدیدهای علیه تمامیت ارضی، نظام سیاسی و جامعه نام برد. برخی از نظریه‌پردازان علوم سیاسی نیز با تقسیم تهدیدهای امنیت ملی به داخلی و خارجی، از تهاجم نظامی، مداخله نظامی برای کمک به شورشیان و مخالفان داخلی، توطئه یا دسیسه برای نفوذ و تدارک کودتا، براندازی با حمایت از افراد و گروه‌های ناراضی علیه حکومت مستقر، عملیات پنهان سیاسی (تطمیع دولت مردان، فعالیت تبلیغی مخفی و ترور رهبران کشور) و تبلیغات خارجی علیه حکومت، به‌عنوان تهدیدهای خارجی علیه امنیت ملی نام برده و استفاده از جنگ چریکی، تهدیدهای اقتصادی، اجتماعی و درگیری‌های قومی را به‌عنوان تهدیدهای داخلی علیه امنیت ملی ذکر کرده‌اند.

در مجموع باید گفت، تهدیدهای امنیت ملی به تهدیدهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی و محیط زیست قابل تقسیم است که جوهره همه آن‌ها صیانت از کشور در قبال خطرات و تهدیدهای اساسی نسبت به سرزمین، جمعیت و نظام سیاسی است (جعفری دولت آبادی، ۱۳۸۹/۰۷/۰۸).

۷. جهانی‌شدن و امنیت

در دوران قبل از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، دولت‌ها به‌عنوان تنها بازیگران نظام بین‌الملل در پی کسب و حفظ امنیت خود بودند و امنیت را نیز توانایی دولت‌ها برای حفاظت از مرزهای سرزمین خود و توانایی مطلق آن‌ها به‌منظور هر گونه اقدام طبق صلاح و نظر خود، تبیین می‌کردند. اما از سال‌های ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۱ میلادی، تحولات بین‌المللی جهانیان را در رسیدن به آرزوهای گذشته امیدوار کرد. چراکه دیگر قاعده «عدم وجود تهدید، به‌معنای وجود امنیت است»، از میان رفته بود (سیف‌زاده، ۱۳۸۵: ۹۵-۸۸)؛ دیگر خطر کمونیست و اتحاد جماهیر شوروی وجود نداشت که قطب مقابلش ایالات متحده آمریکا، جهان را امنیتی ببیند و دنیا را درگیر معمای امنیتی نماید.

اما با فروپاشی شوروی، آمریکا با درک نیاز جهانی، خود را سردمدار ایجاد امنیت جهانی قلمداد نمود، ولی غافل از این‌که دیگر معادله چند مجهولی معمای امنیتی با فرمول دوران جنگ سرد و قاعده‌ای یکسان حل نمی‌شود؛ پایان جنگ سرد مفهوم امنیت را گسترش داده بود، در این فضای بین‌المللی و در حال جهانی شدن، لیبرال‌هایی مانند «فوکویاما» با تئوری «پایان تاریخ»، قصد غلبه

گفتمانی بر سیستم بین‌الملل را داشتند که حوادث یازده سپتامبر سال ۲۰۰۱ میلادی، مجهولی نوین به معادله امنیتی افزود.

چراکه دیگر تنها بازیگران معادله بین‌المللی، دولت‌ها نبودند، افراد، گروه‌های فراملی، سازمان‌های غیر دولتی فراملی، رسانه‌ها و تروریسم رادیکالیسم نیز در نقش اول معادلات بین‌المللی ایفای نقش می‌کنند بر عبارتی عدم وجود تهدید، دیگر به معنای وجود امنیت نیست، بلکه در روند جهانی شدن، امنیت در ابعاد گوناگون اقتصادی، نظامی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و حتی زیست محیطی در میان همه دولت‌ها و بازیگران جدید عرصه بین‌الملل از جمله رسانه‌ها، سازمان‌های فراملی، گروه‌های غیر دولتی، رادیکالیسم و تروریسم و ... تئوریزه می‌گردد (وحیدی، ۱۳۸۸: ۴۱-۳۰).



تصویر شماره ۵ - جایگاه امنیت در عرصه جهانی شدن

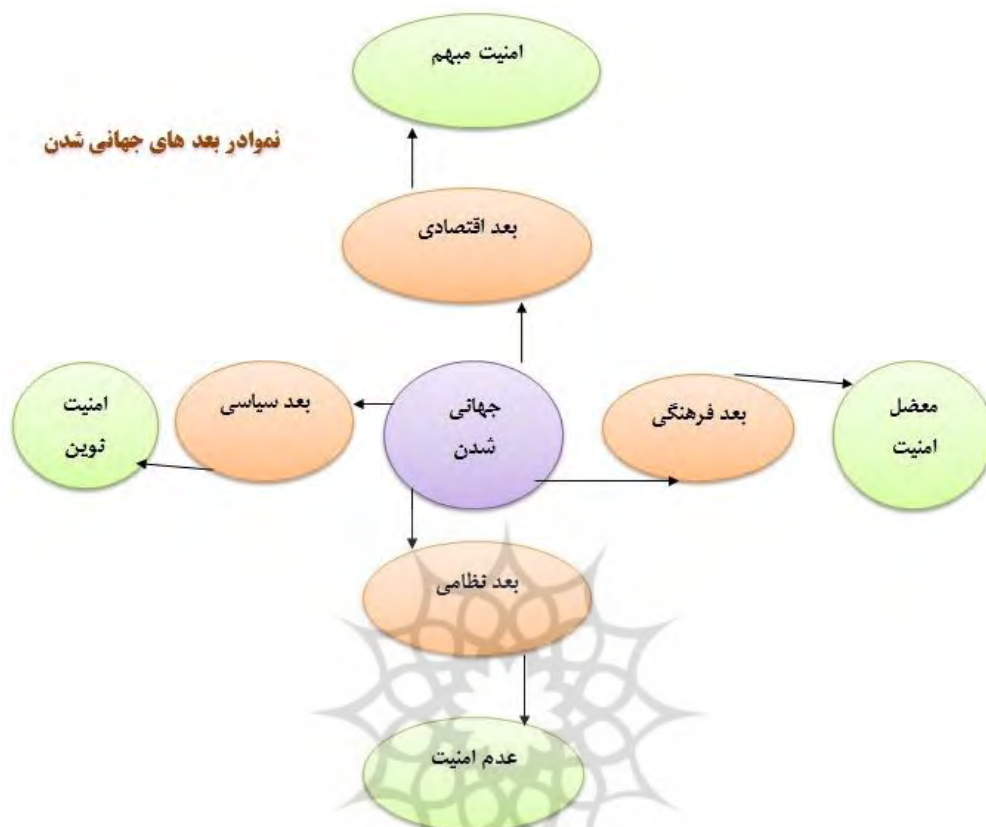
۸. امنیت جهانی شده

جهانی‌شدن پیامدهای مثبت و منفی مهمی برای ابعاد گوناگون امنیت انسانی اعم از امنیت نظامی، بوم‌شناختی، اقتصادی، فرهنگی و روان‌شناختی داشته است؛ می‌توان گفت که فرآیند شتابان جهانی‌شدن سطوح رضایت‌بخش از امنیت در زندگی اجتماعی را به بار نیاورده است؛ جغرافیایی تغییر یافته سیاست‌های جهان معاصر، جنبه‌های منفی قابل توجهی برای صلح، استحکام زیست بوم، فقر، هویت و وحدت ملی به همراه داشته است؛ در عصر جهانی‌شدن جهان به سمت فشرده‌گی پیش می‌رود، زمان و مکان در هم آمیخته است، مرکزیت‌های متعالی جای خود را به مرکزهای لرزان و بی‌ثبات داده است (دیویدای و مورگان، ۱۳۹۲: ۲۴۷-۲۳۳).

در عصر جهانی‌شدن باید به رابطه‌ای میان صلح ناقص و امنیت غیر قابل دسترسی اشاره کرد؛ در عصر جهانی‌شدن محیط امنیت بین‌الملل در مقایسه با دوران دو قطبی و جنگ سرد بسیار پیچیده‌تر بوده و با از بین رفتن تهدید جنگ جهانی، منازعات و درگیری‌های داخلی کشورها جایگزین آن شده که ثبات و امنیت داخلی و منطقه‌ای را تضعیف می‌کند. در زمان کنونی و در روند جهانی‌شدن، چالش اصلی نظام بین‌الملل افزایش تعداد کشورهای ضعیف و یا حتی ورشکسته است که قادر به مهار تحولات داخلی در قلمرو خود نیستند. از همین رو است که خود دولت‌ها در عصر جهانی‌شدن به‌عنوان عامل امنیت‌زا نیز مطرح می‌شوند، با این‌که امروز امنیت بیش از هر زمان دیگری غیر توسعه یافته، مبهم، نارسا، ماهیتاً جدال برانگیز و متناقض است، بدون شک ریشه در تحولات و روندهای جهانی‌شدن دارد؛ امنیت در عصر جهانی‌شدن بر پایه مفهومی از امنیت سیستمی استوار است که در آن، «امنیت» بخشی از یک شبکه بهم پیوسته بوده و کلیت شبکه نیز پیوسته بر اجزاء منفرد تأثیر می‌گذارد.

جهانی‌شدن علاوه بر تأثیرگذاری از بیرون به داخل، از داخل به بیرون هم بر امنیت تأثیر می‌گذارد و عامل برای دگرگونی امنیت می‌باشد که در هر دو بخش داخلی و خارجی عمل می‌کند؛ در واقع حجم انبوه اطلاعات، پدیده شتاب تاریخ و سرعت تحولات باعث شده واحدهای سیاسی هر روز با اطلاعات، جهان و محیطی متفاوت رو به رو باشند، از این رو جهانی‌شدن مفهوم امنیت را به‌طور کلی متحول کرده و بر امنیت نظامی به‌طور خاص تأثیر گذاشته و با تغییر قواعد بازی در روابط بین‌الملل، شیوه حل و فصل تعارضات بین‌المللی را متحول کرده است.

امنیت در عصر جهانی‌شدن را باید در تعامل و تقابل با موضوعاتی مانند رژیم‌های بین‌المللی، هنجارها، توسعه، وابستگی متقابل، بازیگران بین‌الملل و ... بازتفسیر کنیم؛ از این رو باید نقش هنجارها را جهت کسب امنیت در قالب رویکرد سازه‌نگاری بررسی رده و از منظر لیبرالیسم، بحث وابستگی متقابل امنیتی را درک نمائیم (وحیدی، ۱۳۸۸: ۵۱-۴۷).



تصویر شماره ۶ - ابعاد جهانی شدن
 پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

۹. نتیجه‌گیری

همان‌طور که «هولستی» می‌گوید امنیت میان کشورها در جهان سوم، در میان جمهوری‌های اتحاد جماهیر شوروی، و در هر کجای دیگر بیش از پیش مبتنی بر امنیت در داخل این کشورها می‌باشد؛ (Holsti, 2003: 15) این مسئله به خصوص وقتی که تهدیدهای احتمال، ویژگی فراملی داشته باشند، آشکارتر است. در کشورهای ضعیف، عدم همبستگی اجتماعی - سیاسی و چالش‌های داخل کشور، به بی‌ثباتی سیاسی و در بسیاری از موارد به مقابله‌های نظامی با ساختار دولت منجر

می‌شود؛ بنابراین کشورهای ضعیف اغلب در قبال تهدیدهای داخلی آسیب‌پذیر هستند و هدف عمده آنان تحکیم و تقویت ثبات داخلی و کنترل سیاسی است و بر تهدیدهای خارجی تمرکز ندارند.

به عبارت دیگر نگرانی عمده سیاست‌شناسان کشورهای در حال توسعه، در واقع امنیت در سطح ساختارهای دولتی و رژیم‌های حاکم است؛ یعنی کشورهای ضعیف به همان اندازه که مورد تهدیدهای داخلی هستند، از خاج نیز تهدید می‌شوند؛ این تهدیدهای امنیتی به شکل‌های مختلفی است اما همه آنها ثبات و قدرت رژیم‌های موجود را تهدید می‌کنند.

«بوزان» ساختاری را برای تحلیل تهدیدهای امنیتی از چشم‌انداز کشورهای ضعیف به وجود آورده است:

همبستگی اجتماعی - سیاسی		قدرت
قوی	ضعیف	
آسیب‌پذیری خاص نسبت به تهدیدات نظامی	آسیب‌پذیری بالا در مقابل تهدیدات	ضعیف
تا حدودی آسیب‌پذیر نسبت به اغلب تهدیدها	آسیب‌پذیری خاص نسبت به تهدیدهای سیاسی	قوی

در این الگو روشن است که همبستگی سیاسی - اجتماعی کشورها و قدرت دولت نقش مهمی را در تعریف تهدیدهای امنیتی ایفا می‌کند؛ بسیاری از کشورهایی که رفتار ضعف‌های پیچیده هستند در حصار الگوهای تاریخی، رکود اقتصادی، رادیکالیسم دینی و تروریسم قرار دارند و بسیاری دیگر نیز گذشته‌ای استعماری و هویت ملی ضعیفی دارند (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۳: ۱۳۵-۱۲۳).

بنابراین بسیاری از مردم جهان معتقدند که دنیا در عصر جهانی شدن وارد مرحله خطرناکی شده است، توازن و تعادل دوران جنگ سرد درهم ریخته و تا تعیین نظام جایگزین، هاله‌ای از ابهام در افق بین‌المللی پدیدار گشته است. روابط بین کشورها در دوران بعد از جنگ سرد دگرگون شده و در چنین شرایطی توانایی‌های نظامی از اهمیت کم‌تری نسبت به گذشته برخوردار خواهد بود. نظام در حال شکل‌گیری جهانی نه براساس سلطه کامل آمریکاست و نه نتیجه هم‌گونی و هم‌گرایی حقیقی بین‌المللی. هر چند آمریکا تنها قدرت برتر جهان محسوب می‌شود ولی اوضاع دنیا به اندازه‌ای پیچیده است و امنیت واقعی جامعه آمریکا به قدری دچار مشکل می‌باشد که قادر به حفظ یک صلح آمریکایی در جهان نخواهد بود. با توجه به وضعیت اقتصاد و بازار جهانی و وجود ارتباطات مدرن جهانی، انزواگرایی نیز عملی نخواهد بود. به تعبیر برژینسکی دنیایی غرق در بی‌نظمی وجود خواهد داشت با یک ساختار ابتدایی صلح، که ناشی از همکاری‌های وسیع متکی به خود و منطقه‌ای با پشتوانه تعهدات نسبی آمریکا است (جمشیدی، ۱۳۹۴، برگرفته از سایت www.ensani.ir؛ سیف زاده، ۱۳۶۸: ۴۱-۳۲).

بنابراین مؤلفه‌های امنیت ملی متعدد می‌باشد، هر کدام از این مؤلفه‌ها، اهمیت بسیار زیادی برای حفظ اقتدار و امنیت ملی یک کشور دارد، مهم‌ترین و اولی‌ترین مؤلفه امنیت ملی امروزه مسئله اقتصادی است، البته اقتصاد همواره یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌ها در امنیت ملی بوده و امروزه بخاطر اقتصاد پایه بودن اغلب تهدیدات داخلی، مهم‌ترین مؤلفه است. در کشوری مثل ایران، علاوه بر مسأله اقتصاد، یکی دیگر از مؤلفه‌های تشکیل دهنده امنیت ملی می‌تواند تأکید بر وحدت و همدلی میان اقشار مردم و مسئولان باشد. زیرا شرایط فرهنگی، جغرافیایی و سیاسی ایران به گونه‌ای است که همیشه امکان ایجاد رخنه برای نفوذ دشمن در آن فراهم است. در ادامه می‌توان گفت که نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان بازوی قدرتمند ولایت، پاسدار حفظ دستاوردهای نظام و کارگزار اصلی استقرار امنیت داخلی و مرزهای کشورند. در همین راستا مقام معظم رهبری نیروهای مسلح را از جمله مهم‌ترین حصارهای امنیت رعیت می‌دانند. مؤلفه مهم دیگر در عرصه صیانت از امنیت و اقتدار ملی، حفظ یکپارچگی سیاسی نظام جمهوری اسلامی ایران است (ذولفقاری، ۱۳۹۱: ۵۴).

قدرت سیاسی یک کشور به منزله یک ماشین است که تک تک ارکان حکومت، اجزاء و قطعات مختلف این ماشین را تشکیل می‌دهند، بنابراین کاملاً بدیهی است که ضعف، فتور و نقص در عملکرد هر کدام از اجزاء، کارکرد سایر اجزاء را نیز دچار اختلال و در نهایت بلااثر خواهد نمود. بنابراین همه‌ی ارکان حاکمیت در کنار حمایت ملی و گسترده ملت باید به معنی واقعی کلمه یَدِ واحده باشند.

هرگونه تزلزل در هریک از ارکان حکومت می‌تواند به تحلیل و تهدید قدرت سیاسی نظام و باز شدن راه سلطه و نفوذ بیگانگان منجر شود (خوشروزاده، ۱۳۸۲: ۱۹۶). سومین مؤلفه، هم‌سویی و

همراهی وحدت ملی و یکپارچگی ملت با نظام سیاسی یکپارچه‌ی ملی است. اگر به دنبال امنیت پایدار برای ایران هستیم، باید از هر سخن، عقیده و عملی که وحدت ملی کشور را در معرض آسیب و خدشه و نگرانی قرار دهد، بپرهیزیم.

همه باید بدانیم که در کشتی واحدی نشسته‌ایم و هر رخنه و سوراخی در اصلی‌ترین رکن آن که همانا وحدت و یکپارچگی ملت و نظام سیاسی است، به منزله‌ی سم مهلکی است که حیات همه‌ی سرنشینان را تهدید خواهد کرد. اختلاف در سلیقه‌ها، نظرات و دیدگاه‌ها نباید شیرازه‌ی وحدت ملی و یکپارچگی سیاسی نظام جمهوری اسلامی را در معرض فروپاشی قرار دهد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۵). *امنیت در نظام سیاسی اسلام*. تهران: کانون اندیشه جوان.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۱). *مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات امنیت ملی*. تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- اسلامی، مسعود (۱۳۷۵). «از حاکمیت دولت تا حکمرانی جهانی»، *فصلنامه مطالعات سازمان ملل متحد*، سال اول، شماره یک، بهار.
- اشرفی، داریوش (۱۳۹۳). «تفسیر جدید از صلح و امنیت بین‌المللی و تأثیر آن بر مفهوم حاکمیت ملی»، *فصلنامه پژوهش حقوق عمومی*، دوره ۱۵، شماره ۴۲ - شماره پیاپی ۴۲، زمستان.
- بهزادی، حمید (۱۳۵). *اصول روابط بین‌الملل و سیاست خارجی*. تهران: انتشارات کتابفروشی دهخدا.
- بیلگین، پینار (۱۳۹۳). *امنیت منطقه‌ای در خاورمیانه*. ترجمه عسگر قهرمان پور، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- جعفری دولت‌آبادی، عباس (۱۳۸۹). «از امنیت ملی تا امنیت سیاسی»، *روزنامه مردم سالاری*، نسخه شماره ۲۴۶۴.
- جمشیدی، محمد حسین (۱۳۹۴). *امنیت ملی در سیاست بین‌المللی معاصر بررسی نظری*. تهران: پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس، ۱۳۹۴، برگرفته از سایت www.ensani.ir
- خوشروزاده، جعفر (۱۳۸۲). «مطبوعات و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، *مجله اندیشه انقلاب اسلامی*، شماره ۶.
- دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی (۱۳۸۳). *مجموعه مقالات یازدهمین همایش بین‌المللی آسیای مرکزی و قفقاز*. تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران.
- دیوید ای. لیک و پاتریک ام. مورگان (۱۳۹۲). *نظم‌های منطقه‌ای، امنیت‌سازی در جهانی نوین*. ترجمه جلال دهقانی فیروز آبادی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ذوالفقاری، مهدی (۱۳۹۱). *دفاع و امنیت ملی از نگاه مقام معظم رهبری (مدظله العالی)*. گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- سلمان خاکسار، عبدالحمید (۱۳۹۰). *حکومت، فرد و امنیت*. تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
- سیف‌زاده حسین (۱۳۸۵). *معمای امنیت و چالش‌های جدید غرب*. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- سیف‌زاده، حسین (۱۳۶۸). *نظریه‌های مختلف در روابط بین‌الملل*. تهران: نشر سفیر، چاپ اول.
- شبهان، مایکل (۱۳۸۸). *امنیت بین‌الملل*. ترجمه جلال دهقانی فیروز آبادی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- عبدالله‌خانی، علی (۱۳۸۳). *نظریه‌های امنیت، مقدمه‌ای بر طرح‌ریزی دکترین امنیت ملی*. تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- عسگری، محمود (۱۳۸۲). «منطقه‌گرایی و پارادایم منطقه‌ای»، *اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، شماره ۱۸۸ - ۱۸۷. فروردین و اردیبهشت.

- فرهادی، اصغر (۱۳۸۳). *مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات امنیت ملی*. تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- قائمی، فرهاد (۱۳۸۶). «بررسی مفهوم امنیت در سیاست تازه بین‌الملل»، *مجله مطالعات سیاسی - اقتصادی*، سال ۲۲، شماره ۵ و ۶ اسفند.
- کلودزیج، ادوارد (۱۳۹۰). *امنیت و روابط بین‌الملل*. ترجمه نادر پور آخوندی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- کوزه‌گر کالجی، ولی (۱۳۹۳). *مجموعه امنیتی، منطقه‌ای قفقاز جنوبی*. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- میرعرب؛ مهرداد؛ سجادی، عبدالقیوم (۱۳۷۹). «نیم نگاهی به مفهوم امنیت»، *فصلنامه علوم سیاسی*، دانشگاه باقر العلوم (ع)، دوره ۳، سال سوم، شماره نهم، تابستان.
- وحیدی، مهدی (۱۳۸۸). *امنیت بین‌ایراندیمی*. تهران: انتشارات آوای نور.
- ولی پور زرومی، سیدحسین (۱۳۸۳). *گفتمان‌های امنیت ملی*. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- Book. K. (1991). *Security and Emancipation, Review of International Studies*, 17(4).
- Shaw. M. (1993). *there is No such thing as society: Beyond Individualism and Statism in international security Studies, Review of International Studies*, 19 (2).
- Holsti, K, (2003). *the state, the war, and the state of war, the program for silk Road studies Uppsala university*.

Research Article

The Impact of Globalization on Theoretical and Conceptual Manifestations and Aspects of National Security of Governments in the 21st Century

A.,H.,Mohammad Of.¹, Morteza Ashrafi² And Mohammad HafeziSefat³

Date of received: 2021/10/17

Date of Accept: 2021/11/11

Abstract

"Global security" is based on a new system; Accordingly, special principles and bases are considered, the result of which is to ensure security for all nations; Global security has a problematic universal approach. Thus, in international relations, from the beginning of the formation of state-cities to the emergence of state-nations and welfare states, and even in the age of globalization, the main concern of international actors has been to gain and maintain power and establish security; Security in the world community is based on the image that although the international system is violated in terms of sovereign and unified sovereignty and experiences an environment of chaos, although its rejection this means to have a minimal cooperation for protection. There is no stability on a global scale; Cooperation that forms a security policy or regime; In other words, national actors realized that their security on the world stage was linked to the security of other actors and that it was in the light of a collective effort that they could achieve general security for all countries; This is the difference between "security" and "global"; Therefore, it can be said that at a time when the dominant discourse of international relations was realism and neo-realism, Morgenthau's discourse is true that the assessment of power begins with military capability and then with capabilities that directly affect military capability. It comes and goes along with capabilities that indirectly lead to military capability. In this study, we seek to study and analyze the impact of globalization on the theoretical and conceptual aspects of national security of governments in the 21st century and have used a descriptive-analytical method.

Keywords: globalization, global security, national security, discourse, nation-state.

Citation (APA 6th ed. / APSA)

Mohammad Of., A., H.; Ashrafi, Morteza; Hafezi Sefat, Mohammad (2022). "The Impact of Globalization on Theoretical and Conceptual Manifestations and Aspects of National Security of Governments in the 21st Century". *Quarterly Journal of Research in History, Politics and Media*. Vol. 4, Num. 4, S.No. 16, pp. 57 - 80.

¹. Professor of the Department of Political Science, Faculty of Political Science, National Academy of Sciences of the Republic of Tajikistan; Monday, Tajikistan. Email: tijk@mail.ru

². Assistant Professor, Department of Political Science and Public Diplomacy, Karimeh Strategic Studies Institute; Shiraz, Iran. Email: mortezaashrafi110@gmail.com

³. Visiting Professor, Faculty of Humanities, Imam Hossein University; Tehran, Iran. Email: mhs019rey@gmail.com

References

- Abu Hilal, Hassan bin Abdullah Askari (1412 AH). *Alforuq Alquye*. Qom: Islamic Publishing. (in Persian)
- Alder, John (1326). *History of the Reformation of the Church*. Tehran: Noor Jahan.
- Arblaster, Anthony (1367). *The Rise and Fall of Western Liberalism*. Informant Translation, Tehran: Markaz Publishing.
- Babaei, Parviz (1391). *Dictionary of Political Terms and Schools*. Tehran: Negah. (in Persian)
- Bakrash, Deborah (1394). *Inspection of ideas*. Haghightatkah translation, Tehran: Phoenix.
- Beheshti, Alireza (1378). *Theoretical dimensions of the problem of tolerance*. Qom: Islamic Culture. (in Persian)
- Brunowski, Jacob; Mazlish, Bruce (1379). *The intellectual tradition in the West*. Compatible translation, Tehran: Agah.
- Durant, Will (1371). *History of civilization*. Translated by Badrah and others, Tehran: Islamic Revolution Education Publications.
- Durant, Will (1380). *History lessons*. Translated by Khadem, Tehran: Phoenix.
- Fath Ali, Mahmoud (1379). *Tolerance and religious-moral moral tolerance*. Qom: Taha's book. (in Persian)
- Group (Cultural Institute of Contemporary Thought) (1998). *Tolerance yes or no?* Qom: Khoram. (in Persian)
- Hans, Kung (1384). *History of the Catholic Church*. Ghanbari translation, Qom: Religions and sects.
- Hashemi, Mohammad (1384). *Human rights and fundamental freedoms*. Tehran: Rate. (in Persian)
- Hassani, Ali (1393). *The Impact of Humanism on the Elders of the Protestant Movement*. Qom: Imam Khomeini Publications. (in Persian)
- Ilkhani, Mohammad (1391). *History of Philosophy in the Middle Ages and the Renaissance*. Tehran: Samat Publications. (in Persian)
- Jones, William Thomas (1358). *Gods of Political Thought*. Translated by Ramin, Tehran: Amirkabir.
- Kang, Sogwon (1383). *Thomas Hobbes and John Locke*. Baqaei Translation, Tehran: Iqbal.
- Karimunya, Mohammad Mahdi (1386). *Peaceful coexistence in Islam and international law*. Qom: Imam Khomeini Publications. (in Persian)
- Kupit, Dan (1380). *Sea of Faith*. Translated by Kamshad, Tehran: New Design.
- Landlen, Charles Doe (1382). *World History*. Translated by Behmanesh, Tehran: University of Tehran.
- Langi, Andrew (1390). *Europe in the Middle Ages*. Translated by Zare, Tehran: Sabzan.
- Laski, Herold Joseph (1382). *The course of freedom in Europe*. Translated by Moghaddam Maraghei, Tehran: Majid.

- Locke, John (1377). *Letter on Tolerance*. Translated by Shirzad Golshahi, Tehran: Ney Publishing.
- Maleh, Albert (1342). *General history*. Translated by Shadman and Hajir, Tehran: Ibn Sina.
- Malouf, Lewis (1385). *Almonged*. Translated by Sayyah, Tehran: Islam Publishing.
- McGrath, Alistair (1384). *Textbook of Christian Theology*. Haddadi translation, Qom: Religions and sects.
- McGrath, Alistair (1387). *An introduction to the religious reform movement*. Haddadi translation, Qom: Religions and sects.
- Mill, John Stewart (1358). *Treatise on Freedom*. Translated by Sheikh al-Islami, Tehran: Book Translation and Publishing Company.
- Nozari, Ezzatullah (1375). *Christianity from the beginning to the Age of Enlightenment*. Mashhad: Marandiz. (in Persian)
- Palmer, Robert Roosevelt (1386). *New World History*, translated by Taheri, Tehran: Amirkabir.
- Rashad, Ali Akbar (1382). *Holy Democracy*. Tehran: Institute of Islamic Culture and Thought. (in Persian)
- Razzaqi, Hadi (1378). "Discussion on the Relationship between Tolerance and Education", *Maaref Quarterly*, Vol. 32. (in Persian)
- Renan, Colin (1371). *History of Cambridge Science*. Translated by Afshar, Tehran: Saadi.
- Russell, Bertrand (1373). *History of Western Philosophy*. Translated by Daryabandari, Tehran: Printing and Publishing Organization of the Ministry of Guidance.
- Soleimani Ardestani, Abdul Rahim (1383). *A look at the living religions of the world*. Qom: Ayat Eshgh. (in Persian)
- Tawil, Tawfiq (1383). *History of the conflict between reason and religion*. Translated by Fathi Loghman, Shiraz: Navid.
- Thomson, Garrett (1394). *John Locke*. Haghi Translation, Tehran: Contemporary View.
- Walzer, Michael (1383). *About tolerance*. Translated by Najafi, Tehran: Shirazeh.
- Weaver, Mary Joe (1381). *An Introduction to Christianity*. Qom: Religions and sects.
- Whitehead, Alfred North (1387). *History of Thoughts*. Certificate translation, Tehran: Islamic Culture Publishing Office.
- Yazdi, Narges; Amirloo, Masoumeh (1387). *Historical documents dedicated to His Holiness the Pope*. Tehran: Sarir. (in Persian)

شہادت گاہ علوم اسلامی و مطالعات قرآنی
ذمات جامع علوم اسلامی